

انجام کار صحیح در سبک زندگی اسلامی (اقدامات و فرآیند)

محمدحسین دانش کیا*

چکیده

کار و تلاش از عناصر مهم در تحقق سبک زندگی اسلامی است و از ارکان یا عناصر مقوم تمدن نیز به شمار می‌رود، اما مسلمانان در سده‌های اخیر با پدیده کم‌عملی و کم‌کاری مواجه بوده‌اند که شاید یکی از علل آن بی‌توجهی به روش صحیح عمل کردن و در نتیجه نرسیدن به اهداف و ایجاد سرخوردگی بوده است، از این رو، استخراج روش صحیح انجام عمل که در منابع روایی ذکر شده است، می‌تواند گامی در رفع موانع عمل‌گرایی در سبک زندگی مسلمانان باشد، خصوصاً «عمل‌گرایی کارگزاران». این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، به دنبال بررسی «اقدامات و فرآیند انجام کار» از منظر روایات است. از نتایج این پژوهش آگاهی از دو دسته اقدامات است که باید قبل و حین عمل به آن‌ها دست زد تا «عمل با روش درست» در خارج تحقق یابد. ارائه الگوی مفهومی فرآیند اقدامات به ترتیب زمانی برای تحقق عمل و بازبینی‌ای ساده برای ارزیابی تحقق اقدامات حین عمل و بعد از آن، از دیگر یافته‌های این پژوهش است. رویکرد فرآیندی به روایات این امکان را فراهم می‌آورد که عمل صحیح به شکل یک کل مرکب و نه امور پراکنده غیر مرتبط مورد ملاحظه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: اقدامات قبل عمل، اقدامات حین عمل، فرآیند انجام کار، بازبینی عمل، عمل در فرهنگ اسلامی.

* استادیار گروه تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

۱) طرح مسئله

کار و تلاش از ارکان یا عناصر مقوم تمدن به‌شمار می‌رود؛ اما تحقق آن به اموری چند بستگی دارد. بدیهی است، تنها وجود فرهنگ کار، جامعه را به تمدن رهنمون نمی‌سازد، بلکه کاربرد روش صحیح انجام عمل است که می‌تواند رسیدن به هدف را تضمین نماید. به عبارتی، ارزش‌شماری عمل و کار و داشتن روحیه و پشتکار در جامعه گرچه شرط لازم برای وصول به تمدن است، اما کافی نیست. انسان باید بداند با چه روشی می‌تواند به عمل صحیح دست یابد. در منابع اسلامی درباره ارزشمندی عمل و کار روایات متعددی وارد شده و بررسی‌های متعددی صورت گرفته است؛ (دانش‌کیا و دیگران ۱۳۷۱، ۶۲) اما شاید کم‌تر به روش صحیح انجام عمل پرداخته شده باشد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد فرآیندی، درصدد ارائه روش صحیح انجام کار با استفاده از منابع روایی- به‌عنوان بخشی از سرمایه فرهنگی مسلمانان- است. رویکرد فرآیندی به این مقوله این امکان را می‌دهد تا گام‌به‌گام، اقداماتی که برای تحقق کار صحیح باید صورت گیرد ترسیم گردد، از مرحله انتخاب عمل تا به سرانجام رساندن آن. کسی تصمیم می‌گیرد کار تولیدی حلالی را آغاز کند، یا ازدواج ساده‌ای داشته باشد یا... با این پرسش روبه‌رو می‌شود که از مرحله خطور فکر تا تصمیم به آن و عمل به آن، باید چه گام‌هایی را بردارد تا به نتیجه مطلوب برسد؟ آیا تا تصمیم گرفت اقدام کند یا باید مقدماتی را طی کند و بعد وارد عمل شود و در حین عمل هم باید اقداماتی انجام دهد و بعد از اتمام نیز... نتیجه این پژوهش پاسخ چنین کسانی است. با این توصیف، نقش توجه به فرآیند عمل در بحث از سبک زندگی روشن‌تر می‌شود، عنصر اصلی در سبک زندگی عمل است، بدون عمل هیچ تحولی در زندگی رخ نخواهد داد، تحول مطلوب نیازمند عمل صحیح است، اما عمل باید چگونه انجام گیرد تا به نتیجه موردنظر منتج شود؟ به عبارتی، دست‌یابی به اسلوب صحیح انجام عمل، کاهش ناموفقیتهای در زندگی را به همراه دارد، به‌خصوص وقتی از سوی کارگزاران در سطح کلان مورد استفاده قرار گیرد و از آنجاکه فرهنگ اسلامی تمدن‌زاست، انتظار می‌رود عمل به الگوی استنباطی از روایات، بتواند در ابعاد وسیع به تحقق تمدن اسلامی مبتنی بر سبک زندگی اسلامی یاری رساند. بدیهی است به‌علت محدودیت‌ها، امکان پرداختن کامل و جامع به هر گام از فرآیند پیشنهادی وجود ندارد و بررسی هر گام به‌طور کامل نیازمند مقاله‌ای مستقل است. موضوع عمل به شکل گسترده در مجامع روایی مانند الحیاه اثر استاد محمدرضا حکیمی و دیگران، میزان الحکمه اثر آیت‌الله ری‌شهری و نظایر آن مورد توجه قرار گرفته است و اغلب با دسته‌بندی روایت سعی در جمع‌آوری و موضوع‌بندی نموده‌اند. تفاوت پژوهش حاضر با این مجامع روشن است؛ زیرا در این نوشتار اولاً همه روایات درباره عمل جمع‌آوری و موضوع‌بندی

نشده است و ثانیاً به استخراج الگو و فرآیند عمل توجه شده است. در برخی کتب و مقالات به بحث از کار پرداخته شده است که بحث ماهیتاً جدای از بحث عمل موردنظر در این مقاله است؛ مانند فرهنگ کار در اسلام، نوشته امان الله شاقوزائی در مجله کار و جامعه، دی ۱۳۹۱، شماره ۱۵۲ (۶ صفحه، از ۸۰ تا ۸۵)؛ جایگاه اندیشه و عمل در سخنان امام حسن عسکری علیه السلام جواد خرمی اردیبهشت ۱۳۸۳، شماره ۵۳ (۹ صفحه - از ۲۶ تا ۳۴) که نویسنده آثار و فواید تفکر و اندیشه را از منظر معصوم موردبررسی قرار داده است. در رساله‌ی مدل کار در سبک زندگی اسلامی با رویکرد اخلاق اسلامی از آقای عبدالله غلامی به اهداف، مبانی و اصول و مدل کسب‌وکار توجه شده است، اما فرآیند انجام عمل موردبحث قرار نگرفته است. در برخی آثار نیز به عمل صالح توجه شده است که با موضوع این نوشتار تفاوت دارد. به عبارتی، بر پایه جستجوی نگارنده در موضوع موردبحث این نوشتار، اثری منتشر نشده است؛ اما قبل از ورود به بحث ذکر چند نکته به‌عنوان پیش‌فرض و اصل ضروری است:

الف) شمول مطلوبیت عمل به علم در روایات، به همه علوم

مقصود از علم در «عمل به علم» منحصر در علم دین نیست و مقصود از عمل هم عمل به واجبات یا مستحبات دینی نیست؛ هرچند در برخی از روایات شواهدی بر آن وجود دارد (کلینی ۱۴۲۹، ۱، ۱۰۸) اما در همه روایات چنین قرینه‌ای وجود ندارد، مانند:

امام علی علیه السلام: تأمل کن تا دوراندیش باشی و چون جوانب کار روشن گشت قاطعانه انجام ده! (حکیمی و دیگران ۱۳۶۰، ۱، ۳۰۵)

تأمل، دوراندیشی، روشن شدن جوانب کار، عمل قاطعانه، ضرورتاً در امور دینی نیست، بلکه بیشتر قرینه‌ای است بر این که امور دنیایی مدنظر است. ازاین‌رو، مقصود مطلوبیت عمل به همه علوم است. (موارد نهی شده تخصیصاً یا تخصصاً از موضع مطلوبیت خارج است).

ب) توأمانی علم و عمل در فرهنگ اسلامی

در منابع روایی توأمانی علم و عمل مورد تأکید قرار گرفته است. «ای کمیل! هیچ حرکتی قابل‌تصور نیست مگر این که پیش از آن نیازمند کسب دانش آن باشی»^۲ (حرانی ۱۳۶۳، ۱۷۱؛ حکیمی و دیگران ۱۳۶۰، ۱، ۳۵)؛ «آفت علم ترک عمل به آن است»^۳ (تمیمی آمدی ۱۳۶۶، ۳۵؛ همان ۲، ۲۷۵) ازاین‌رو، در فرهنگ اسلامی دانش غیرمتصل به عمل فاقد

۱. رَوَّحْتُمْ، فَإِذَا اسْتَوْضَحْتَ فَاجْزُم.

۲. يَا كَمِيلُ مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَ أَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ.

۳. آفَةُ الْعِلْمِ تَرْكُ الْعَمَلِ بِهِ.

ارزش است. توأمانی این دو به شکل ترتیبی است، ابتدا علم و بعد عمل تحقق می‌یابد. عمل کردن در پس علم به اندازه‌ای اهمیت دارد که بر ننگین انگشتر امام حسین علیه السلام همین شعار نقش بسته بود: «(هرگاه) دانستی عمل کن». (دیلمی ۱۴۰۸، ۳، ۳۰۷)

«نتیجه این دو پیش‌فرض آن است که مسلمان هیچ‌گاه نباید بدون علم به مرحله عمل وارد شود و با عنایت به مطلوبیت همه علوم می‌توان نتیجه گرفت مسلمان به تناسب هر عملی باید به علم آن مجهز شود.»

ج) اصل اجتناب از مشغول شدن به گذشته

از اصول مهمی که مسلمان در زندگی خود باید آن را رعایت کند و در پیشبرد کارهایش مؤثر است، عدم اشتغال به گذشته و در نتیجه توجه به حال و آینده است:

دل‌های خود را به آنچه از دست‌رفته مشغول نسازید که در این صورت ذهن خود را از آماده شدن برای آنچه هنوز نیامده است بازخواهید داشت.^۱ (کلینی ۱۴۲۹، ۳، ۷۷۰)

معطوف‌سازی اذهان به آنچه در گذشته رخ داده است، خواه از روی تأسف بر رخ داده‌های گذشته یا آنچه می‌توانست اتفاق افتد یا برای تخریب رقیب که نشان داده شود در گذشته کار قابل ملاحظه‌ای انجام نشده است یا افتخار به گذشته بدون بهره‌مندی از آن برای حال و آینده، ماندن در آن دوره و درجا زدن، همه آسیب‌زاست و از عوامل بازدارنده تمدن محسوب می‌شود. توصیه فرهنگ اسلامی نگاه به آینده است، نگاه واقع‌بینانه و دور از خیال‌پردازی؛ البته گاهی در کنار کار برای آینده، نیم‌نگاهی به گذشته برای عبرت و درس از گذشته یا مجازات متخلف یا نیرو گرفتن از کامیابی‌ها ضروری است.

۲) مفهوم‌شناسی

قبل از پرداختن به مسئله پژوهش روشن‌تر ساختن چند اصطلاح ضروری است: عمل و کار، مقصود هر فعالیت هدف‌دار اعم از جسمی، ذهنی و... است. از این‌رو، در فرهنگ اسلامی صرف استخدام در یک دستگاه یا سازمان «کارکردن» محسوب نمی‌شود. کسی که فعالیت هدفمند ندارد یا در انجام وظائف کاهلی می‌کند، یا در مدت طبیعی آن را انجام نمی‌دهد یا... عمل مطلوب از وی سر نزده است.

مثلاً اگر آقای الف مدیر بخشی باشد، انتظار است فعالیت هدفمند خود را به موقع آغاز و در اولین زمان ممکن، منظم امور محوله را انجام دهد، پشت میزش بی‌کار ننشیند با موبایل

۱. قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: لَا تُشْعِرُوا قُلُوبَكُمْ الْإِشْتِغَالَ بِمَا قَدْ فَاتَ فَتَشْعَلُوا أَذْهَانَكُمْ عَنِ الْإِسْتِغْدَادِ لِمَا لَمْ يَأْتِ.

خود بازی نکند و یا ساعت‌ها به گپ زدن با دوستانش نپردازد. از سوی دیگر، انتظار است از علمش بهره بگیرد و امور را کارشناسی شده انجام دهد، کار امروز را به فردا و فرداها موکول نکند، اگر امکان دارد کاری در یک دقیقه بعد آغاز شود آن را به ساعتی بعد موکول نکند و... اقدام: قدم‌ها، گام‌ها (انوری ۱۳۸۱، ۱، ۵۰۶) در اینجا، مقصود فعالیت‌های گام‌به‌گام است.

فرآیند: مجموعه فعالیت‌های مختلفی که برای دست یافتن به هدف خاصی انجام می‌شود (همان ۶، ۵۲۹۷)، با دقت در کاربرد این اصطلاح در کتب علمی می‌توان گفت: مجموعه‌ای مشخص و مرتب‌شده از اقدامات و فعالیت‌های کاری در یک محدوده زمانی و مکانی معین که شروع و خاتمه هر اقدامی مشخص شده است. از تحلیل مدیریت بر مبنای فرآیند (جان جستون و یوهان نلیس ۱۳۹۳، ۱۸) و تطبیق آن بر پژوهش حاضر می‌توان این‌گونه فهمید که از مزایای چنین رویکردی، خارج کردن امور از حالت جزیره‌ای و تبدیل آن به شبکه‌ای به هم پیوسته است، به عبارتی، چنین رویکردی در پژوهش حاضر می‌تواند بین روایات پراکنده در منابع اسلامی ارتباط معناداری را نشان دهد؛ به گونه‌ای که مخاطب متوجه می‌شود که با یک امر مرکب به عنوان «عمل صحیح»، نه بسیط روبه‌روست. حتی می‌توان ادعا کرد از کارکردهای این رویکرد، حل برخی از تزاخم‌هاست که در بادی امر در روایات به چشم می‌خورد، به‌طور مثال جمع بین مطلوبیت کار سریع با عدم شتاب در امور با این نگاه میسر است که هر یک به گامی از گام‌های فرآیند عمل صحیح ناظر هستند و هیچ تزاخمی با یکدیگر ندارند.

حال با توجه به مقدمات یادشده، گام‌های (اقدامات) مختلفی که فرآیند تحقق یک عمل صحیح را ترسیم می‌کند در دو بخش اقدامات و گام‌های قبل از عمل و گام‌های بعد از عمل ذکر می‌شود:

الف) اقدامات قبل از عمل

آن دسته از اقداماتی که قبل از دست زدن به عمل باید مورد توجه قرار گیرد:

یک) کار برای خدا از آغاز تا...

در نگرش اسلامی به زندگی، مسلمان می‌تواند تمام زندگی‌اش را برای رضایت خدا تنظیم کند و از این طریق جزای تمامی اعمالش را از خدا بخواهد؛ چراکه از منظر اسلامی عبادت منحصر به افعال خاصی نیست و هر عملی می‌تواند برچسب «الله» بر خود داشته باشد:

بگو: «نماز و تمام عبادات من و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان

است»^۱ (الأنعام، ۱۶۲)

۱. قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

بیدار شدن، خوابیدن، خوردن و آشامیدن، کار کردن در اداره و کارخانه، تربیت فرزند، اطاعت از والدین، خدمت به همسر، خوش‌رویی با مردم، کار پراهمیت از منظر اجتماع یا کم‌اهمیت تفاوتی ندارد. آنچه مهم است که خدمت و کار است که ناشی از خلوص فرد است. از این‌رو، نزد خداوند کار ساده‌ای در حد نظافت دستشویی به علت خلوص بیشتر، می‌تواند ارجمندتر از کاری در سطح ملی باشد. از آثار عمل برای خدا رفع کسالت و تنبلی است. انسانی که می‌خواهد دیده شود وقتی کار را برای خدا انجام می‌دهد در تمامی احوال دیده می‌شود، از این‌رو، به کار خیر سبقت و سرعت می‌گیرد؛ البته نه به قیمت حذف رقیب، رعایت اخلاق در این مسابقه جایگاه خودش را دارد؛ زیرا انسان می‌داند اگر خلاف رضایت «او» عملی انجام دهد عمل او بسان کالایی نامرغوب از گردونه خارج می‌شود. راه کارهای نهادینه‌سازی کار برای خدا در جامعه و سازمان خود موضوع پژوهشی مستقل است، این‌که در چه صورتی می‌توان ادعا کرد کارها در سازمان‌ها برای خدا انجام می‌گیرد نیز پژوهشی دیگر را می‌طلبد. آیا باید همه اعضای سازمان دارای انگیزه الهی شوند؟ آیا هدف‌گذاری، سیاست‌ها و برنامه‌ها باید در مسیر اعتلای کلمه الحق قرار گیرد؟ یا...

دو) عمل پاکیزه (طیب، پاک، تمیز)

عمل مورد انتظار ربُّ العالمین از انسان‌ها ارائه عملی پاکیزه^۱ (تقفی ۱۴۱۰، ۱، ۱۲۹) است. عملی که رویش دارد، پیراسته از ریاکاری، عجب و سایر امور فاسدکننده یا کاهنده ثواب است، (مجلسی ۱۴۰۶، ۱، ۵۲۶) افزایش‌دهنده عمل است به علت دوستی با خدا، (مجلسی ۱۴۰۴، ۸، ۱۸۱) ثواب آن چندبرابر است و از انگیزه‌های فاسد پاک است. (همان ۱۳، ۱۳۳)

سه) تدبیر قبل از عمل

در فرهنگ‌نامه‌ها برای تدبیر معانی مانند به پایان کاری اندیشیدن، اندیشیدن (جوهری ۱۳۷۶، ۲، ۶۵۵) مشورت و مشورت کردن ذکر شده است (معین ۱۳۵۰، ماده تدبیر) و در معنای مدبر آمده است کسی که تدبیر و تنظیم می‌کند، کسی که به ترتیب اهمیت می‌دهد، کسی که کارها را انجام می‌دهد. (بستانی ۱۳۷۵، ۷۹۷) به عبارتی، تدبیر فرآیندی است که طی آن، اندیشیده می‌شود، شور و مشورت صورت می‌گیرد، عاقبت امور پیش‌بینی می‌شود و ترتیب رسیدن به هدف مشخص می‌شود، شاید امروزه با کمی اغماض تعبیر برنامه‌ریزی را به تدبیر نزدیک‌تر دانست. از این‌رو، اگر در روایات آمده است: «تدبیر پیش از عمل، مانع پشیمانی است.»^۲ (ابن بابویه ۱۳۷۶، ۴۴۷) اشاره به طی چنین فرآیندی قبل از عمل است.

۱. امام علی علیه السلام در نامه معرفی قیس به سعد انصاری: نَسَأَلُ اللّٰهَ لَنَا وَلِکُمْ عَمَلًا زَاكِيًا.

۲. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: التَّدْبِيرُ قَبْلَ الْعَمَلِ يُؤْمِنُكَ مِنَ النَّدَمِ.

احتمالاً روایت ذیل شرح همین واژه است: «اندازه کن سپس ببر؛ بیندیش سپس بازگویی؛ و بسنج سپس به کار برخیز.»^۱ (تمیمی آمدی ۱۴۱۰، ۳۷۱) یعنی قبل از عمل محاسبه کن (اندازه کن) درباره عملی که می‌خواهی انجام دهی بیندیش و سپس به اظهارنظر بپرداز که مثلاً این کار را می‌خواهم انجام دهم یا خیر و بسنج (امکان‌سنجی) و بعد عمل موردنظر را انجام ده! در نتیجه قبل از عمل باید تدبیر صورت گیرد. از این‌رو، برخی از اقداماتی که در بندهای بعدی بیان خواهد شد می‌تواند ذیل تدبیر هم تعریف گردد؛ اما از باب تأکید عنوانی جداگانه به آن‌ها داده شده است.

چهار) کسب دانش لازم قبل از عمل

برای انجام هر عملی با هر درجه از اهمیت، ضروری است دانش آن فراگرفته شود، حتی اگر در حد بستن یک پیچ باشد، چه رسد به امور مهم و پرهزینه، اما اغلب به آن توجه نمی‌شود و مشاهده می‌شود برای انجام امور، افرادی با غیر تخصص لازم به‌کار گمارده می‌شوند، خصوصاً در اموری که امروز دانش علوم انسانی متکفل آن است؛ نه تنها هرکسی اجازه اظهارنظر در آن را به خود می‌دهد، بلکه برای انجام آن نیز انتخاب می‌شود! کسی که بدون علم و دانش عمل کند بیش از آنچه اصلاح کند فساد به‌بار می‌آورد.^۲ (کلینی ۱۴۲۹، ۱، ۱۰۸)

در کنار علم، توجه به تجربیات نیز ضروری است، از منظر امامان «از تجربه دانشی تازه به دست می‌آید.»^۳ (کلینی ۱۴۲۹، ۱۵، ۷۰) لذا اهمیت کسب تجربیات کم‌تر از دانش آن موضوع نیست. از این‌رو، تاریخ با رویکرد عبرتی جایگاه خود را پیدا می‌کند. تاریخ می‌تواند در شاخه‌های مختلف دانش به جمع‌آوری اطلاعات مبادرت و آن را در اختیار دانشمندان علوم قرار دهد تا در کنار دانش از تجربیات گذشتگان بهره‌مند گردند.

پنج) ارزیابی عمل

ارزیابی شامل چند مرحله است:

• امکان‌سنجی عمل

امکان‌سنجی، بخشی از «تدبیر» است. تدبیری که انسان را از افتادن به ورطه نابودی

۱. قَدَّرْتُمْ أَطْعَمُوا وَ فَكَّرْتُمْ أَطْلَقُوا وَ تَبَيَّنْتُمْ أَعْمَلُوا.

۲. رسول الله ﷺ: مَنْ عَمِلَ عَلَى غَيْرِ عِلْمٍ، كَانَ مَا يَفْسِدُهُ أَكْثَرُ مِمَّا يَصْلِحُ.

۳. قَالَ عَلِيٌّ: فِي التَّجَارِبِ عِلْمٌ مُسْتَأْنَفٌ.

نجات می‌دهد.^۱ (تمیمی آمدی ۱۴۱۰، ۳۵۴) مقصود این است که با توجه به مجموع شرایط موجود؛ اعم از امکانات مادی و نیروی انسانی لازم، حتی شرایط آب و هوایی و... انجام عمل امکان‌پذیر است یا خیر؟ مقصود مهیا بودن بالفعل امکانات نیست، بلکه مقصود امکان فراهم‌سازی آن‌هاست. امکان‌سنجی امری عقلایی است؛ لذا در روایتی «عدم امکان‌سنجی حماقت و نادانی»^۲ شمرده شده است. (همان، ۶۷۶) در تصمیمات شخصی و خانوادگی برای آینده خود و اعضای خانواده، ازدواج، انتخاب رشته تحصیلی، شغل نیز امور اجتماعی و اقتصادی کلان، انعقاد قراردادها، ساختن سازه‌ها... همه و همه نیازمند امکان‌سنجی است. گاهی عمل بسیط است؛ ولی اغلب پیچیده و ترکیبی است؛ یعنی باید عملیات متعدد انجام داد تا یک عمل در خارج تحقق یابد؛ مثلاً برای انعقاد یک قرارداد، ده‌ها کار باید انجام شود، امکان‌سنجی این عمل یعنی بررسی امکان تحقق کلیه ریز اقدامات، نه فقط امکان تحقق بخشی از عملیات. چه‌بسا آغاز امری آسان باشد؛ اما به اتمام بردن آن دشوار یا محال باشد، از این رو، امکان‌سنجی روشن‌گر این موارد است.

نکته بسیار مهم دیگر در این باب، دوری از خیال‌پردازی است؛ زیرا «آرزو همچون سراب است که بیننده را می‌فریبد و امید امیدوار به خویش را نومید می‌کند.»^۳ (آقاجمال خوانساری ۱۳۶۶، ۷، ۱۹) از این رو، باید از آرزوهای واهی و خیال‌پردازی در مرحله امکان‌سنجی دوری گزید و فقط به واقعیات توجه کرد.

• اولویت‌سنجی عمل

انسان اغلب در مقابل چند عمل قرار می‌گیرد و از آنجاکه امکان انجام همه را ندارد به دنبال معیاری است تا یکی را برگزیند. در فرهنگ روایتی اسلام اولویت‌سنجی عمل پیش‌بینی شده است که برخی از آن‌ها بیان می‌شود:

درجه اهمیت عمل یکی از این اولویت‌هاست. به عبارتی، عملی برگزیده می‌شود که نه تنها مهم؛^۴ (تمیمی آمدی ۱۴۱۰، ۲۴۳) بلکه نسبت به دیگری مهم‌تر باشد: «هرکس به چیز بیهوده پردازد، آنچه را که مهم و مطلوب است از دست می‌دهد.»^۵ (تمیمی آمدی ۱۴۱۰، ۴۷۷). و «آنکه به امری غیرمهم خود را مشغول دارد، مهم‌تر را از دست می‌دهد.»^۶

۱. مَنْ سَاءَ تَدْبِيرُهُ تَعَجَّلَ تَدْمِيرُهُ.

۲. الامام علی علیه السلام: مِنَ الْحَرْقِ الْمَعَاجِلِ قَبْلَ الْإِمْكَانِ.

۳. الامام علی علیه السلام: الْأَمَلُ كَالسَّرَابِ يَغُزَمَن رَأَهُ وَ يَخْلِفُهُ مَنْ رَجَاهُ.

۴. الامام علی علیه السلام: إِنَّ رَأْيَكَ لَا يَتَسَعُّ لِكُلِّ شَيْءٍ فَفَرِّغْهُ لِلْمُهْمِّ.

۵. الامام علی علیه السلام: مَنْ اشْتَغَلَ بِالْفُضُولِ فَاتَهُ مِنْ مُهْمَةِ الْمَأْمُولِ.

۶. الامام علی علیه السلام: مَنْ اشْتَغَلَ بِغَيْرِ الْمُهْمِ ضَيَعَ الْأَهْمَ.

(آقا جمال خوانساری ۱۳۶۶، ۷، ۴۲۳) حتی امام علی علیه السلام عامل سقوط دولت‌ها را ضایع گذاردن اصول (مسائل اساسی)؛ چسبیدن به فروغ^۱ - امور غیرمهم و تشریفات - معرفی کرده است. (تمیمی آمدی ۱۴۱۰، ۸۰۰) اگر دولت‌ها در تشخیص امور زائد یا اهم اهمال ورزند و خود را مشغول امور فرعی نمایند، سقوط و انحطاط خود را رقم زده‌اند. در طول تاریخ نمونه‌های فراوانی از این امور قابل مشاهده است. چه بسا دشمن در حال توطئه‌چینی و نقشه‌کشی است و دولت‌مردان در حال رقابت‌های بی‌جا با یکدیگر. از این‌رو، «هرکه جویای عقل عملی است، باید امور اصلی را از زاید بازشناسد، اما بسیاری از مردم به جستجوی زاید برمی‌خیزند و از به دست آوردن چیزهای اصلی غافل می‌مانند. هرکس اصل را به دست آورد، از زائد بی‌نیاز می‌شود.»^۲ (مجلسی ۱۴۰۳، ۷۵، ۵)

از دیگر اولویت‌ها در تعیین عمل مطلوب ضروری بودن آن است.^۳ (تمیمی آمدی ۱۴۱۰، ۶۲۶) اشتغال به امور غیرضروری منجر به فوت فایده می‌شود. در مجامع روایی به تناسب اولویت‌هایی برای برخی امور ذکر شده است که می‌توان آن‌ها را برشمرد، به‌طور نمونه درباره اشتغال به علم گفته شده است از آنجاکه دایره علوم وسیع است و انسان قادر به فراگیری همه علوم نیست بهتر است از هر علمی بهترینش را بیاموزد.^۴ (آقا جمال خوانساری ۱۳۶۶، ۷، ۲۶۵)

انتخاب عملی که انسان در برابر انجام یا عدم انجام آن مورد سؤال قرار می‌گیرد، به‌عبارتی، مسئولیت انجام آن عمل به او محول شده است از دیگر معیارهاست.^۵ (تمیمی آمدی ۱۴۱۰، ۵۲۸) حتی آدمی از پرداختن به اموری که به او ارتباطی ندارد به‌گونه‌ای منع شده است.^۶ (شریف رضی ۱۴۱۴، نامه ۶۹، ۴۶۰) اگر هرکسی به وظیفه‌اش مشغول شود و وقت خود را با سرک کشیدن در امور دیگران تلف نکند، قطعاً فرصت مناسب برای انجام امور مهم فراهم خواهد شد. امروزه وسایل ارتباط جمعی در اشتغال مردم به امور زائد و غیر مهم، بی‌اهمیت، نامربوط به زندگی آنان تأثیر زیادی دارند. این‌که فلان بازیکن یا هنرپیشه با همسرش به کجا رفت، چه کرد؟ اغلب وقت مردم را می‌گیرد تا جایی که به امور معمول زندگی خود نیز نمی‌رسند.

۱. یَسْتَدَلُّ عَلَى إِدْبَارِ الدُّوَلِ بِأَرْبَعِ تَضْيِيعِ الْأَصُولِ وَ التَّمَسُّكِ بِالْفُرُوعِ.

۲. الامام علی علیه السلام: .. مَنْ طَلَبَ الْعُقْلَ الْمُتَعَارِفَ فَلْيَعْرِفْ صُورَةَ الْأَصُولِ وَ الْفُضُولِ فَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ يَطْلُبُونَ الْفُضُولَ وَ يَضَعُونَ الْأَصُولَ فَمَنْ أَخْرَزَ الْأَصْلَ اِكْتَفَى بِهِ عَنِ الْفَضْلِ.

۳. الامام علی علیه السلام: مَنْ اشْتَغَلَ بِغَيْرِ ضَرُورَتِهِ، قَوَّتَهُ ذَلِكَ مَنَفَعَتَهُ.

۴. الامام علی علیه السلام: الْعُلَمَاءُ أَكْثَرُ مَنْ أَنْ يَخَاطَبَهُ بِهَفْطُوا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ أَحْسَنَهُ.

۵. الامام علی علیه السلام: كُنْ مَشْغُولًا بِمَا أَنْتَ عَنْهُ مَسْئُولٌ.

۶. الامام علی علیه السلام: ... أَقْصِرْ رَأْيَكَ عَلَى مَا يَعْنِيكَ.

• ارزیابی سود و زیان

مقصود از ارزیابی در اینجا، سنجش سود و زیان عمل است که در روایات به آن سفارش شده است. هر عاقلی قبل از این که عملی را آغاز کند باید احراز کند که عمل برای او و جامعه‌اش دارای سود است یا زیان، اگر زیان‌های احتمالی را ارزیابی نکند قادر به جلوگیری از آن نخواهد بود^۱ (همان ۱، ۳۰۵) و اگر جنبه‌های سودآوری کاری را احراز نکند نمی‌تواند قدمی در کسب آن‌ها بردارد.^۲ (همان) این‌ها آموزه‌هایی طلایی هستند. قراردادی را در نظر بگیرید اگر شما شرایطی را در قرارداد لحاظ نکنید امکان دارد ضرر کنید و اگر پیش‌بینی کنید سود بیشتر عایدتان می‌شود؛ از این‌رو، ضروری است این جهات را قبل از عمل در نظر گرفت تا «از زیان احتمالی جلوگیری و سود احتمالی را تحقق بخشد.»

• انتخاب عمل «کم شر» نسبت به «عمل شرورانه‌تر»

انسان همواره با کار خیر یا شر روبه‌رو نیست، گاهی فقط دو گزینه شر در برابر او وجود دارد و او باید از میان آن‌ها دست به انتخاب بزند. عاقل کسی است که قادر به ارزیابی عمل شر از شرتر باشد^۳ (ابن ابی الحدید ۱۴۰۴، ۶، ۳۲۳) و کم‌هزینه‌تر از کم‌هزینه‌تر را انتخاب کند.

(ب) اقدامات حین عمل

مقصود آن‌دسته از اقداماتی است که از لحظه اقدام برای عمل آغاز می‌شود یا باید مورد توجه قرار گیرد که عبارت‌اند از:

یک) عمل به هنگام

عمل مانند میوه است، همان‌طور که عجله در چیدن قبل از رسیدن، میوه نارس نصیبش می‌کند،^۴ (مجلسی ۱۴۰۳، ۱۰۰، ۲۶؛ شریف رضی ۱۴۱۴، خطبه ۵) انجام عمل قبل از وقت نیز نارس خواهد بود. از این‌رو، باید تأمل کرد تا «وقت عمل» برسد.^۵ (همان، نامه ۵۳) تشخیص زمان مناسب برای انجام یک کار، نیازمند تجربه و تخصص است، از این‌رو، در امور مختلف باید از تجربه متخصصان بهره‌مند شد. اگر «مرحله تدبیر» به‌درستی صورت گرفته باشد، زمان آغاز و پایان کار مشخص خواهد بود. از این‌رو، «آغاز کار» در همان زمان

۱. الامام علی علیه السلام: مَنْ لَمْ يَعْرِفْ مَضَرَّةَ النَّيِّ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى الْإِمْتِنَاعِ مِنْهُ.

۲. الامام علی علیه السلام: مَنْ لَمْ يَعْرِفْ مُنْفَعَةَ الْخَيْرِ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى الْعَمَلِ بِهِ.

۳. امام علی علیه السلام: لَيْسَ الْعَاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ وَ لَكِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ يَعْرِفُ خَيْرَ الشَّرِّينِ

۴. الامام العسکری علیه السلام: ... فَلَا تَعْجَلْ عَلَى ثَمَرَةٍ لَمْ تُدْرِكْ، فَإِنَّهَا تَنَالُ فِي أَوَانِهَا..

۵. الامام علی علیه السلام: إِيَّاكَ وَ الْعَجَلَةَ بِالْأُمُورِ قَبْلَ أَوَانِهَا.

کارشناسی شده «عمل به هنگام» تلقی می‌شود. اصولاً، وقتی برآوردها نشان می‌دهد که زمان انجام عملی فرا رسیده است، عدم مبادرت، امکان از دست رفتن فرصت را می‌دهد.^۱ (حکیمی و دیگران ۱۳۶۰، ۱، ۳۱۸) حتی امکان دارد به‌خاطر حادثه‌ای غیرمترقبه، فرصت انجام آن به دست نیاید.^۲ (کلینی ۱۴۲۹، ۳، ۳۶۶) گویا هر کاری موعودی دارد که در صورت انجام آن در همان زمان نتیجه‌بخش خواهد بود. امام علی علیه السلام: در هر روز، کار آن روز را به‌جا آور، زیرا برای هر روز را کاری است^۳ (حکیمی ۱۳۶۰، ۱، ۳۲۳)

شتاب - که غیر از سرعت در کار است - پیامدهایی دارد. شتاب ناظر به موردی است که پیش از موعد کار، به انجام آن مبادرت شود.^۴ (شریف رضی ۱۴۱۴، خطبه ۵)، لغزش و افزایش انواع اشتباه^۵ (تمیمی آمدی ۱۴۱۰، ۷۰۳) از جمله اشتباهات محاسباتی، غصه درونی^۶ (همان ۷۱) و ملامت از سوی جامعه^۷ (همان ۶۶۰) از پیامدهای شتاب و عجله است. نمونه تاریخی عدم عمل به‌موقع در ماجرای صفین قابل‌ملاحظه است که باعث شد فرصت مجددی برای جبهه باطل فراهم بیاید:

امام تأکید کرد که اگر سپاهیان ساعتی بازوان و کاسه‌ی سرشان را به او عاریت دهند، ستمکار درهم شکسته می‌شود؛ زیرا حق به نقطه حساس رسیده است. (ابن ابی الحدید ۱۴۰۴، ۱۱، ۳۰؛ ابن مزاحم ۴۸۹ به بعد با کمی تفاوت.) ولی به علل متعددی این سخنان در لشکر عراق تأثیری نداشت. آن‌ها اصرار داشتند مالک برگردد. امام، بی‌درنگ کسی را به دنبال اشتر فرستاد تا بازگردد. (خویی ۱۴۰۵، ۱۳، ۱۱۹) اشتر خواسته‌ای ناچیز داشت: فرصتی به فاصله دو نوبت دوشیدن شیر ناقه یا به‌اندازه خیز آسی؛ ولی چانه‌زنی فایده نداشت.

پیشنهاد می‌شود، برای تمامی امور اداری و پروژه‌ها «اولین زمان ممکن برای آغاز» و کوتاه‌ترین زمان ممکن انجام آن مشخص و در معرض دید عموم قرار گیرد تا مردم بتوانند از کارشناسان و مدیران مطالبه داشته باشند. به‌طور مثال، در دستورالعمل ذکر شود پاسخ به این نوع از استعلام بعد از ثبت در دبیرخانه یک الی دو روز است. نگارنده بارها مشاهده کرده است، نامه‌ای که می‌تواند طی یک یا دو روز پاسخ داده شود، پنج الی شش ماه

۱. قَالَ عَلِيٌّ عليه السلام: الْفُرْصَةُ سَرِيعَةُ الْفُوتِ، بَطِيئَةُ الْعُودِ.

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: «كَانَ أَبِي يَقُولُ: إِذَا هَمَمْتَ بِخَيْرٍ فَبَادِرْ، فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا يَخْدُثُ».

۳. وَ أَمَضِ لِكُلِّ يَوْمٍ عَمَلَهُ فَإِنَّ لِكُلِّ يَوْمٍ مَا فِيهِ.

۴. الْإِمَامُ عَلِيُّ عليه السلام: إِيَّاكَ وَ الْعَجَلَةَ بِالْأُمُورِ قَبْلَ أَوَانِهَا.

۵. الْإِمَامُ عَلِيُّ عليه السلام: مَعَ الْعَجَلِ يَكْثُرُ الزَّلَلُ.

۶. الْإِمَامُ عَلِيُّ عليه السلام: الْعَجَلُ قَبْلَ الْإِمْكَانِ يُوجِبُ الْغَضَبَ.

۷. الْإِمَامُ عَلِيُّ عليه السلام: مَنْ رَكِبَ الْعَجَلَ رَكِبَتْهُ الْمَلَأَمَةُ.

در صف پاسخ مانده است حتی مشاهده شده است، هم‌زمان شهرداری ساخت پل بزرگ زیرگذر و روگذری را در آن شهر آغاز و به اتمام رسانده است؛ اما در سازمانی دیگر به یک تقاضای ساده که قانون مشخصی دارد پاسخی داده نشده است!!

دو) دوری از سستی و کاهلی در انجام عمل

کاهلی بعد از احراز این‌که زمان مناسب انجام عملی فرا رسیده است مذموم است. «نیز از سستی در کارها به هنگام رسیدن زمان آن- و فراهم شدن اسباب- پرهیز»^۱ (شریف رضی ۱۴۱۴، نامه ۵۳) یکی از آفات پرتعداد در نظام اداری همین مورد است. نامه‌ای که برای کسی مهم است باینکه روشن است باید چه عملیاتی روی آن انجام شود، روی میز مدیر یا کارشناس معطل می‌ماند، این همان کاهلی بعد از رسیدن زمان انجام است. نمونه تاریخی کاهلی در انجام امر مهم در دوران امام علی علیه السلام قابل ملاحظه است:

در گرمای تابستان به بسیجستان فرمان دهم، می‌گویید اینک هوا در اوج گرماست؛ بگذار تا کاستی گیرد و چون در زمستان حمله را فرمان می‌دهم، می‌گویید اینک اوج سرماست؛ مهلتی ده تا سرمای سخت بگذرد. تمامی فرصت‌هایمان در فرار از سرما و گرمای هوا می‌گذرد. با این اوصاف در برق شمشیرها چگونه پایمردی را توانا باشید! (سید رضی خطبه ۲۷)

پیامد کاهلی می‌تواند تضييع حقوق باشد^۲ (شریف الرضی ۱۴۱۴، ۵۱۰) و حسرت و ندامت به دنبال آرد. ^۳ (آقاجمال خوانساری ۱۳۶۶، ۷، ۴۲۰) فرض کنید وامی فقط در فاصله زمانی معین پرداخت می‌شود و لازمه پرداخت آن ارائه مدرکی از سوی متقاضی است. اگر متقاضی وام به خاطر کاهلی یک کارشناس نتواند در موعد مقرر مدرک را ارائه دهد و از اخذ وام محروم شود حقیقتش توسط آن کارشناس تضييع شده است.

سه) خستگی ناپذیری در انجام امور پسندیده

همان‌طور که انسان نباید در آغاز و اثناء کار دچار سستی و کاهلی شود، در ادامه نیز نباید از انجام کار خیر خسته شود.^۴ (حکیمی و دیگران ۱۳۶۰، ۱، ۳۰۰) هرچند تنبل‌ها اغلب خسته‌اند و کسل، اما خستگی روحی - که مقصود از خستگی ناپذیری هم همین است - اختصاص به آن‌ها ندارد. روحیه‌های تمدن‌ساز خستگی ناپذیرند. از این‌رو در استخدام

۱. و التَّسَاطُطُ فِيهَا عِنْدَ امَّاكِنِهَا....

۲. قَالَ عليه السلام: مَنْ أَطَاعَ التَّوَانِي ضَيَعَ الْحَقُوقَ.

۳. قَالَ عليه السلام: مَنْ أَطَاعَ التَّوَانِي أَحَاطَتْ بِهِ النَّدَامَةُ.

۴. الامام الصادق عليه السلام: وَ لَا تَمَلُّوا مِنَ الْخَيْرِ وَ لَا تَكْسَلُوا.

کارگزاران باید از به‌کارگیری انسان‌های خسته و کسل پرهیز شود.^۱ (حکیمی ۱۳۶۰، ۱، ۳۰۰) احراز خستگی‌ناپذیری در انجام کار خیر، باید از اصول اساسی گزینش کارگزاران دولتی قرار گیرد، خصوصاً از شرایط احراز مشاغل مدیریتی، هرچند دولت نیز باید برنامه‌هایی را برای حفظ این روحیه در کارکنان خود طراحی و اجرا کند.

چهار) سرعت در کار خیر و دفع شر

گفته شد شتاب با سرعت تفاوت دارد. مقصود از شتاب‌زدگی انجام عمل در غیر وقت مناسب است که بی‌دقتی در انجام عمل را به‌همراه دارد. سرعت در عمل در دو حالت قابل‌تصور است، مبادرت به انجام عمل در اولین فرصت، انجام و اتمام کار در کم‌ترین زمان. فرض کنید، بعد از اقدامات کارشناسی احراز شود باید سدی در زمان معینی از فصل ساخته شود، اگر ساخت سد در «اولین زمان ممکن» آغاز شود سرعت در انجام فعل خیر تحقق‌یافته است و اگر در «کوتاه‌ترین زمان ممکن نیز آن را به پایان رسانند، سرعت در انجام تحقق‌یافته است» ولی اگر زودتر از موعد در فصلی نامناسب آغاز شود شتاب‌زدگی صورت گرفته است.

روایات «تسرع در عمل» ناظر به مواردی است که بعد از کار کارشناسی احراز می‌شود عمل موردنظر به سود فرد یا جامعه است در این مواقع تأمل و تأخیر روا نیست.^۲ (کلینی ۱۴۲۹، ۲، ۱۴۲)

فرض کنید قرار است تعدادی از کارگزاران مورد تشویق یا تنبیه قرار گیرند، اگر این کار با سرعت انجام گیرد اثربخش است؛ اما اگر همین کار که می‌تواند طی چند ساعت یا چند روز انجام گیرد ماه‌ها یا سال‌ها به‌طول انجامد، مانند چیدن میوه بعد از رسیدن و خراب شدن روی درخت است، نه تنها اثر مثبت ندارد، شاید آثار منفی بیشتری داشته باشد. در موارد تخلف مشاهده می‌شود، امام علی علیه السلام به محض رسیدن گزارش اتهام، متهم را احضار می‌کرد. (نمونه نامه ۴۳ به مصقله بن هبیره الشیبانی؛ یا نامه ۴۵ به عثمان بن حنیف الأنصاری و نظایر آن‌ها) از این رو، حتی وقتی نامه‌ای برای فراهوان یکی از امراء می‌نوشت، تا از او در جای دیگری استفاده کند ابتدا شائبه احضار برای مواخذه را از ذهن او می‌زدود؛ (به‌طور نمونه نامه ۴۲ به عمر بن اُبی سلمه المخزومی) چراکه فرمانداران از سرعت امام در رسیدگی و عدالت او اطلاع و اهمه داشتند؛ اما اگر می‌دانستند به تخلفات آنان به‌سرعت رسیدگی نمی‌شود و سال‌ها می‌توانند دستگاه قضایی را معطل نمایند با بی‌باکی دست به تخلف می‌زدند. همین شرایط برای سرعت در دفع شر نیز حاکم است، بعد از احراز این‌که امری شر است و به آبرو، مال،

۱. الامام علی علیه السلام: لا تتکل فی أمورک علی کسلاً.

۲. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إن الله يحب من الحفر ما يعجل.

جان انسان یا جامعه صدمه خواهد زد، دفع آن نیازمند عجله و سرعت است تا از میزان صدمات وارده جلوگیری کرد^۱ (تمیمی آمدی ۱۴۱۰، ۱۰۷) نمونه‌ای از سرعت در عمل:

عثمان در پاسخ حضرت گفت: «از مردم بخواه به من مهلت دهند تا ستم‌های رفته بر آنان را برطرف کنم.» امام فرمود: آنچه در رابطه با مدینه است «مهلت» لازم ندارد و آنچه در ارتباط با خارج از مدینه است مهلتش تا وقتی است که فرمان تو برای رفع ظلم برسد. (شریف الرضی ۱۳۸۶ ش، اثر دوم، ۳۷۰)

پنج) نظم در عمل

نظم از امور بااهمیتی است که بعضاً امامان در کنار سفارش به تقوای الهی از آن یاد کرده‌اند: «به شما و همه فرزندان و کسانم و هرکس که این نامه به دست وی برسد، سفارش می‌کنم که تقوا پیشه سازید و کارهای خود را نظم دهید.»^۲ (حکیمی ۱۳۶۰، ۱، ۳۰۳) مرتب کردن امور و انجام به ترتیب آن، نیازمند تفکر و نقشه‌کشی است. پس در معنای «نظم» نوعی نقشه‌کشی و سپس عمل مطابق آن نقشه گنجانده شده است. با توجه به آنچه تاکنون گفته شده است، قبل از عمل باید امکان‌سنجی صورت گیرد، که نیازمند انجام محاسبات است، شور و مشورت، پیش‌بینی آینده و در نظر گرفتن اتفاقات محتمل است، نقشه کار کشیده شود و ترتیب انجام امور مشخص شود -مثلاً مرحله‌بندی گردد- و بعد اجرا تحقق یابد. از این‌رو، نظم هم قبل از عمل، یعنی مرحله تدبیر و هم حین عمل وقتی کار آغاز شد، باید مورد توجه قرار گیرد. نظم در زمره فرهنگ‌های تمدن‌زاست. از این‌رو اگر در میان ملتی نهادینه گردد، راه تمدن را هموار خواهد کرد. نظم از امور کوچک شروع می‌شود و به امور خطیر می‌رسد. از ایستادن در صف و مراعات نوبت برای خرید یا سوار شدن به وسیله نقلیه تا رفت و آمد به موقع وسایل نقلیه، حضور به موقع در جلسات و آغاز و پایان به موقع آن‌ها و شروع و آغاز طرح‌های بزرگ همه نیازمند نظم‌اند. آموزش نظم باید از کودکی و از مهدها آغاز و در همه مقاطع تحصیلی تأکید و عملاً به مورد اجرا گذارده شود.

نش) رعایت اصل تقدم کیفیت بر سرعت

هرچند سرعت در انجام کار مطلوب است، اما نه به قیمت صدمه به کیفیت. «اولین زمان ممکن و کوتاه‌ترین زمان برای انجام کار» به معنای کاستن از کیفیت کار یا محصول نیست. سفارش امام علی علیه السلام ناظر به این موارد و موارد مشابه است، اینجا که فرموده‌اند: به دنبال

۱. الامام علی علیه السلام: الْعَجَلَةُ مَذْمُومَةٌ فِي كُلِّ أَمْرٍ إِلَّا فِيمَا يَدْفَعُ الشَّرَّ.

۲. الامام علی علیه السلام: أَوْصِيكُمْ وَ جَمِيعِ وُلْدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي، بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ.

سرعت مباش! بلکه به دنبال کیفیت باش! چون بعد از اتمام کار آنچه برجای می ماند سرعت تو نیست، بلکه کیفیت انجام کار است.^۱ (ابن ابی الحدید ۱۴۰۴، ۲۰، ۲۶۷ و ۱۰۳)

هفت) خطرپذیری و نهراسیدن از سختی‌ها در انجام کار

برای مدیران و کارشناسان در طول زندگی کاری، مواردی پیش می آید که یا در همان آغاز از انجام آن هراس دارند یا در نیمه راه دچار هراس می شوند. این هراس اغلب در کارهایی بدیع یا بزرگ رخ می دهد، اما اگر همه مخترعان، کاشفان یا مصلحان در انجام کارهای دشوار می ترسیدند، آیا قافله بشریت حرکت روبه جلو را تجربه می کرد؟ شاید از این روست که باید این گونه افراد را نه تنها انسان‌هایی هوشمند دانست، بلکه باید آنان را شجاع نیز تلقی کرد؛ بدون شجاعت و خطرپذیری به بزرگی نمی توان رسید. امام علی علیه السلام می فرماید: وقتی کاری برایت دشوار آید تو سرسختی بورز که اگر چنین کنی آن کار بر تو آسان می شود.

بلی گاهی حتی در ادامه کار نیاز است روش‌های معمول و متداول کنار گذاشته شود و راه‌های نرفته آزمایش شود، خصوصاً «اگر زمانه با انسان همراه نشود کلید کار، عوض کردن شگردهاست».^۲ (تمیمی آمدی ۱۴۱۰، ۲۸۹)

هشت) استحکام کار

از دیگر توصیه‌هایی که اگر تبدیل به یک انگاره شود پیشرفت تمدنی را رقم خواهد زد، محکم کاری است. بعد از وفات معاذ بن جبل، پیامبر صلی الله علیه و آله برای دفن او حاضر شد و به آماده‌سازی قبر پرداخت بعد از آجرگذاری، با گل، لای آجرها را پر کرد بعد از دفن معاذ بر آن خاک ریخت و روی قبر را صاف کرد، و اضافه کرد من می دانم به زودی این قبر فرسوده خواهد شد، اما:

خداوند تعالی، بنده‌ای را دوست دارد که وقتی کاری انجام می دهد محکم کاری کند.^۳

(ابن بابویه ۱۳۸۵، ۱، ۳۱۰)

اگر در ساختن قبری که می دانیم دوام زیادی نخواهد داشت محکم کاری ضرورت دارد، چرا در امور بااهمیت تر این دستور رعایت نشود؟ در صنعت، تولید، تجارت، انعقاد قراردادها و... شهید مطهری یکی از ویژگی‌های مردم مشرق زمین را تکیه بیش از اندازه به اخلاق در مقابل

۱. عن علی علیه السلام: لا تطلب سرعة العمل و اطلب تجویده، فان الناس لا یسالون فی کم فرغ من العمل، انما یسألون عن جودة صنعته.

۲. الامام علی علیه السلام: اذا خفت صعوبة امر فاصعب له یتدل لك و خادع الزمان عن احداثه ین علیک.

۳. لکن الله تعالی یحب عبداً اذا عمل عملاً فأختمه.

حقوق می‌داند. (مطهری ۱۳۸۷، ۱۹، ۱۳۹). مثلاً در انعقاد قراردادها امکان دارد یک شرقی به جای محکم کاری حقوقی به اخلاقیات طرف مقابل اعتماد کند که قطعاً این روش شکست خورده‌ای است. از این رو، در هر عملی، باید حداکثر تلاش به عمل آید تا ابعاد مختلف آن در نظر گرفته شود و از منظر یک ناظر بیرونی کار محکم تلقی شود مثل معروف در ادبیات ما «کار از محکم کاری عیب نمی‌کند» شاید برای جلوگیری از آسیب ناشی از عرف شرقی‌ها ابداع شده باشد.

نهم) تمام کردن کار

برخی از افراد عادت دارند کار را آغاز اما به انجام نرسانند، فقط آغازگران خوب! این عادت اگر در امور شخصی رخ دهد صدمه‌اش به خود فرد می‌رسد؛ اما تصور کنید فردی با این مشخصه، منصب دولتی یا مدیریتی را اشغال کند، آنگاه چه رخ می‌دهد؟ شاید بتوان چنین کسانی را در پس نیمه رها شدن پروژه‌ها، قراردادها، کارخانه‌ها و ... یافت. از این رو، در اسلام آنچه ارزش شمرده شده است اتمام کارهاست،^۱ (همان ۱، ۲۸۰) نه افتتاح آن‌ها، به عبارتی، باید مراسم اختتامیه با اهمیت تلقی گردد و کارگزاران اعم از کارشناس و مدیر به تعداد پروژه‌های تمام‌کرده شناخته شوند، نه به تعداد پروژه‌های که افتتاح کرده‌اند. از این رو، با توصیه دیگری هم روبه‌رو می‌شویم این که آنچه اهمیت دارد استمرار در کار است:

کار اندکی که بر آن مداومت کنی، امیدبخش‌تر از کار بسیاری است که از آن ملول گردی.^۲ (ابن ابی الحدید ۱۴۰۴، ۲۰، ۲۸۴. این روایت به اشکال مختلف در مجامع روایی وارد شده است.)

از همین رو، مداومت در کار از باارزش‌ترین امور نزد خداوند شمره شده است، هر چند کم باشد؛^۳ (کلینی ۱۴۲۹، ۳، ۲۱۳) یعنی کار ناچیزی که مداوم انجام گیرد، از کارها و پروژه‌های بزرگ نیمه‌تمام یا رهاشده ارزشمندتر است. در همین رابطه حضرت عیسی علیه السلام به حواریون فرمودند:

مردم می‌گویند رکن یک ساختمان به پایه‌های آن است؛ ولی من چنین نمی‌گویم؛ بلکه می‌گویم آخرین آجری که کارگر می‌نهد رکن ساختمان است. راوی می‌گوید: منظور ایشان اتمام کار است.^۴ (ابن بابویه ۱۴۰۳، ۳۴۸)

۱. النبی صلی الله علیه و آله: الأمور بتأهبا، و الأعمال بخواتمها.

۲. الامام علی علیه السلام: قلیل تَدومُ علیه، أرحی من کثیر مملولٍ منه.

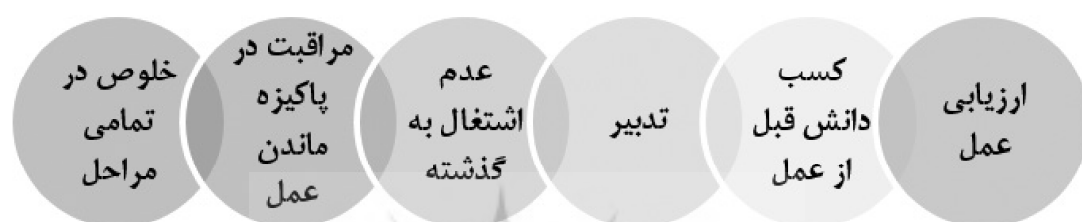
۳. عن أبي جعفر علیه السلام، قال: «ما من شيء أحب إلى الله عزَّ و جلَّ - من عمل يداومُ عليه و إن قلَّ».

۴. الامام الصادق علیه السلام: قال عیسی ابن مَرْیم یا مَعْشَرَ الحواریینَ حَقَّقْ أقولَ لکم إنَّ النَّاسَ یقولونَ إنَّ البِنَاءَ بِأساسِهِ و أنا لا أقولُ لکم کذلک قالوا فماذا تقولُ یا روحَ الله قالَ حَقَّقْ أقولُ لکم إنَّ آخِرَ بَیْعَةٍ یضَعُها العَامِلُ هُوَ الأَساسُ قالَ أبو فَرَوَةَ إنَّما أرادَ خاتمةَ الأمرِ.

۳) فرآیند عمل

با توجه به آنچه گفته شد شاید بتوان فرآیند ساده‌ای از عمل در فرهنگ اسلامی را ترسیم کرد. البته در اعمال پیچیده این مفاهیم ساده نیز پیچیده‌تر خواهند شد. مسلماً امکان‌سنجی برای یک امر ساده مانند خرید خانه با ساخت یک بیمارستان و یا ساخت تمدن تفاوت دارد.

الف) فرآیند اقدامات قبل از عمل



ب) فرآیند اقدامات حین عمل



۴) بازبینه یا سیاهه واری

برای سهولت این که مراحل موردنظر در انجام یک عمل ساده به درستی انجام می‌گیرد می‌توان یک بازبینه (چک‌لیست) ارائه داد. بازبینه مذکور می‌تواند در طول کار و بعد از اتمام کار مورد استفاده قرار گیرد. با این تفاوت که در حین کار انتظار از آن این است که مرحله‌ای فراموش نگردد، اما بعد از اتمام کار می‌تواند برای ارزیابی کیفی و کمی مورد استفاده قرار گیرد. راهنمای بازبینه ذیل: بازبینه ذیل اگر برای اطمینان از انجام مراحل موردنظر به کار گرفته شود پاسخ آن باید در ستون سوم ذکر شود؛ ولی اگر برای ارزیابی کیفی مورد استفاده قرار می‌گیرد در ستون‌های بعدی پاسخ علامت زده می‌شود.

ارزیابی کیفی بعد از عمل					حین عمل	شاخصه‌های ارزیابی	ردیف
خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	بلی/خیر		
						انتخاب عمل پاکیزه	
						عدم اشتغال به گذشته	
						تدبیر	
						کسب علم و تجربه لازم	
						ارزیابی عمل (مراحل چهارگانه)	
						آغاز در زمان تعیین شده	
						اجتناب از کاهلی و سستی	
						خستگی ناپذیری در حین عمل	
						سرعت در کار	
						نظم در تمامی مراحل	
						کیفیت کار	
						خطرپذیری عاقلانه به هنگام	
						محکم کاری	
						اتمام به موقع	
						حفظ خلوص از آغاز تا پایان	

بدیهی است تمام محصولات در تمدن اسلامی از چند نشان استاندارد استفاده می‌کنند و یکی از آن‌ها استاندارد خلوص برنامه‌ریزان، کارگزاران اعم از کارشناسان و مدیران تولید و توزیع است و همین «نشان» تمدن را الهی می‌نمایاند. بحث از این نشان دامنه گسترده‌ای دارد که به‌همین مقدار اکتفا می‌گردد، امید است.

نتیجه گیری

از لوازم اصلی ایجاد تمدن برخوردار از سرمایه فرهنگی تمدن‌زاست. مسلمانان با تحقق تمدنی در گذشته نشان داده‌اند که با تکیه بر سرمایه فرهنگی اسلامی خود می‌توانند تمدنی درخشان در تاریخ را رقم زنند. از عناصر اصلی ایجاد یک تمدن علاوه بر برخوردار از روحیه کار و تلاش، برخوردار از سبک و روش مناسب انجام عمل صحیح است. این نوشتار تلاشی در نمایاندن این روش و سبک است. اقدامات لازم قبل و بعد از عمل و ترسیم الگوی مفهومی آن دو از یافته‌های این پژوهش است. عمل صحیح، عملی پاکیزه است که با تدبیر و دانش و تجربه لازم و ارزیابی همه جوانب در موقع مناسب آغاز شود و با نشاط و خستگی‌ناپذیری و سرعت و کیفیت همراه شود و از استحکام و نوآوری در موارد لازم برخوردار باشد و به اتمام برسد. برای ارزیابی این مراحل نیز بازبینی‌ای ارائه شد. از دیگر نتایج این پژوهش این بود که نشان داد روایات مختلف به‌ظاهر بی‌ارتباط نه‌تنها مکمل یکدیگرند؛ بلکه در پرتو رویکرد فرآیندی تقدم و تأخر هر گام از گام‌ها (و به‌تبع جایگاه هر روایت در مرحله عمل) نیز مشخص گردید. به عبارتی قطعات مختلف یک پازل با پیوستن به یکدیگر، تصویر «روش عمل صحیح» را نشان داد که این یافته غیر از داشته‌های قبلی از روایات است.

منابع

قرآن

۱. آقا جمال خوانساری. محمد بن حسین. ۱۳۶۶ ش. شرح آقا جمال‌الدین خوانساری بر غررالحکم و درر الکلم. چاپ: چهارم. تهران: دانشگاه تهران.
۲. ابن ابی‌الحدید. عبد الحمید بن هبه الله. ۱۴۰۴ ق. شرح نهج البلاغه. محمد ابوالفضل ابراهیم. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی. *رسال جامع علوم انسانی*
۳. ابن بابویه. محمد بن علی ۱۳۸۵ ش / ۱۹۶۶ م. علل الشرائع. چاپ: اول. قم: کتاب فروشی داوری.
۴. ابن بابویه. ۱۴۰۳ ق. معانی الأخبار. محمد بن علی. غفاری. علی اکبر. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵. ابن بابویه. محمد بن علی. ۱۳۷۶. الأمالی. تهران: کتابچی.
۶. ابن شعبه حرانی. حسن بن علی. ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ ق. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله. چاپ: دوم. قم: جامعه مدرسین.
۷. ابن مزاحم المنقری. ۱۳۸۲ ق. وقعة صفین. تحقیق عبدالسلام محمد هارون. بی‌جا: مؤسسه العربیة الحدیثه.
۸. انوری. حسن. ۱۳۸۱. فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.

۹. بستانی. فواد افرام. ۱۳۷۵ ش. فرهنگ ابجدی. چاپ دوم. تهران.
۱۰. تمیمی آمدی. عبد الواحد بن محمد. ۱۴۱۰ ق. غرر الحکم و درر الکلم. سید مهدی رجایی. قم: دار الکتاب الإسلامی.
۱۱. ثقفی. ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال. ۱۴۱۰ ق. الغارات أو الإستنفار و الغارات. چاپ اول. قم: دار الکتاب الإسلامی.
۱۲. جوهری. اسماعیل بن حماد. ۱۳۷۶ ق. الصحاح. بیروت.
۱۳. جان جستون و یوهان نلیس. مدیریت بر مبنای فرآیند. ترجمه امیرحسین قاری عابد و دیگران. ۱۳۹۳. تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
۱۴. حکیمی. محمدرضا و محمد و علی حکیمی. ۱۳۶۰. الحیاه. تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. _____ . الحیاه. ترجمه احمد آرام. ۱۳۸۰ ش. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۶. حلوانی. حسین بن محمد بن حسن بن نصر. ۱۴۰۸ ق. نزهة الناظر و تنبیه الخاطر. قم: مدرسه الإمام المهدی علیه السلام.
۱۷. خویی. میرزا حبیب الله. ۱۴۰۵ ق. منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه. تهران: مکتبه اسلامیة.
۱۸. دانشکیا. محمد حسین و مهدوی. ۱۳۷۱. چگونگی تامین کارگزاران پس از پایان خدمت دولتی. تهران: سازمان امور اداری و استخدامی کشور.
۱۹. دیلمی. حسن بن محمد. ۱۴۱۲ ق. إرشاد القلوب إلی الصواب. قم: الشریف الرضی.
۲۰. شریف الرضی. محمد بن حسین. ۱۴۱۴ ق. نهج البلاغه. صبحی صالح. قم: هجرت.
۲۱. _____ . محمد بن حسین. نهج البلاغه. ترجمه انصاریان. ۱۳۸۶ ش. تهران: پیام آزادی.
۲۲. کلینی. محمد بن یعقوب بن اسحاق. ۱۴۲۹. کافی. قم: دارالحدیث.
۲۳. مجلسی. محمدباقر بن محمد تقی. ۱۴۰۴ ق. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول علیه السلام. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۲۴. مجلسی. محمدباقر بن محمد تقی. ۱۴۰۶ ق. ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۲۵. مطهری (شهید). مرتضی. ۱۳۸۷. مجموعه آثار. تهران: صدرا.
۲۶. معین. محمد. ۱۳۵۰. فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات امیر کبیر.
۲۷. مفید. محمد بن محمد. ۱۴۱۳ ق. الأمالی. حسین استاد ولی و دیگران. قم: کنگره شیخ مفید.
۲۸. نوری. حسین بن محمد تقی. ۱۴۰۸ ق. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.